

زن
در قصه‌های آذربایجان

مؤلف:

عزیزه یوسفی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

بهار ۱۳۹۹

سرشناسه	: یوسفی، عزیزه، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: زن در قصه های آذربایجان / عزیزه یوسفی.
مشخصات نشر	: میانه: دانشگاه آزاد اسلامی (میانه)، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۰ ص.
شابک	: ۲۲۰۰۰۰ ریال 7-5842-10-978-964
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: افسانه ها و قصه های آذربایجانی -- تاریخ و نقد
موضوع	: Legends -- Azerbaijan (Republic) -- History and criticism
موضوع	: زنان در ادبیات
موضوع	: Women in literature
شناخت افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میانه
سازمان داده	: Islamic Azad University, Miyaneh Branch
رده بندی کنگره	: GR۲۹۱
رده بندی دیوین	: ۳۹۸/۲۰۹۵۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۳۴۷۸۹

نام کتاب	: زن در قصه های آذربایجان
مؤلف	: عزیزه یوسفی
ناشر	: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد میانه)
چاپ و صحافی	: چاپ سیف
ناظر چاپ و طرح جلد	: منصور دولت زاده
نوبت چاپ	: چاپ اول - بهار ۱۳۹۹
تیراژ	: ۵۰۰ جلد
قیمت	: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۵۸۴۲-۷ ISBN: 978-964-10-5842-7

میانه: جاده ترانزیت - بلوار شهدای زینبیه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

تلفکس: ۰۴۱۵۲۲۴۰۰۸۵

«کلیه حقوق متعلق به ناشر می باشد»

فصل یکم: کلیات

۱-۱- ادبیات عامیانه.....	۲
۱-۱-۱- غر کلور.....	۲
۱-۱-۱- قصه.....	۳
۱-۱-۳- اهمیت کارکرد قصه.....	۴
۱-۱-۴- بازتاب حقیقت در قصه.....	۵
۱-۱-۵- ویژگی های قصه.....	۷
۱-۱-۶- تاریخچه ی قصه.....	۱۳
۱-۱-۷- ادبیات آذربایجان.....	۱۵
۱-۲- نقد زن گرایانه.....	۱۷
۱-۲-۱- نگرش زن خواننده: نقد جلوه های زنان در آثار ادبی.....	۱۹
۱-۲-۲- تحلیل و بازخوانی ادبیات فولکلوریک.....	۲۰
۱-۲-۳- تقسیم بندی زنان قصه های آذربایجان.....	۲۰
۱-۲-۴- زن در فرهنگ و تاریخ ایران.....	۲۳
۱-۲-۴-۱- زن در ادبیات فارسی.....	۲۷
۱-۲-۵- زن در فرهنگ و تاریخ آذربایجان.....	۳۲
۱-۲-۵-۱- مشارکت فرهنگی زنان آذربایجان.....	۳۴

- ۳۴ ۱-۱-۲-۵- زنان شاعر آذربایجان
- ۳۷ ۱-۱-۲-۵- زنان هنرمند آذربایجان
- ۳۷ ۱-۱-۲-۵- زنان خوشنویس آذربایجان
- ۳۷ ۱-۱-۲-۵- زنان عارف آذربایجان
- ۳۸ ۱-۱-۲-۵- مشارکت‌های اجتماعی زنان آذربایجان
- ۴۳ ۱-۲-۶- تحولات انجام شده

فصل دوم: زن در قصه‌های آذربایجان

- ۴۶ ۱-۲- زنان کنش‌مند
- ۴۶ ۱-۱-۲- زنان کنش‌مند با کنش مثبت
- ۴۷ ۱-۱-۲- عشق و آغازگری در آن
- ۴۹ ۱-۱-۲- چوینده‌ی عاشقان خود
- ۴۹ ۱-۱-۲- مقاومت در برابر ازدواج تحمیلی
- ۵۰ ۱-۱-۲- مشارکت در امور مختلف
- ۵۲ ۱-۱-۲- اهل عیش و بزم
- ۵۲ ۱-۱-۲- استفاده از ظرفیت‌های زنانگی
- ۵۴ ۱-۱-۲- واگذاری تاج و تخت
- ۵۴ ۱-۱-۲- باگذشت و یار و غمخوار قهرمان
- ۵۷ ۱-۱-۲- وفادار و پاسدار عصمت
- ۵۸ ۱-۱-۲- بیداری و رهایی

۵۹ ۱-۱-۱-۱۱-مدبر، چاره‌گر، خردمند، مقاوم، جسور و بی‌باک

۶۱ ۱-۱-۱-۱۲-پذیرش چندهمسری

۶۲ ۱-۱-۱-۱۳-کالابودگی

۶۲ ۱-۱-۲-زنان کنش‌مند با نقش منفی

۶۲ ۱-۲-۱-خائن و فاسد

۶۳ ۱-۲-۲-ستم‌کننده، حسود، سنگدل

۶۴ ۱-۲-۳-طهارت، زبرک و باتجربه

۶۵ ۱-۲-۲-زن روشن‌کنش، پیر

۶۶ ۱-۲-۲-تسلیم در برابر ازدواج حمید

۶۷ ۱-۲-۲-سطیح، بی‌تدبیر و ستم‌پذیر

۷۲ ۱-۲-۳-کالابودگی

۷۳ ۱-۲-۴-عدم مشارکت در امور مختلف

فصل سوم: نام‌گزینی زنان قصه‌های آذربایجان

۷۶ ۱-۳-کلیات

۷۶ ۱-۱-۳-اهمیت و نقش نام اشخاص داستان و عوامل موثر بر نام‌گزینی

۷۸ ۱-۲-۳-ارتباط نام و شخصیت

۷۹ ۱-۳-تحقیقات انجام‌شده

۷۹ ۲-۳-نام‌های زنان داستان‌های آذربایجان

۷۹ ۱-۲-۳-مقدمه

۸۰ ۳-۲-۲ نام‌گزینی زنان وابسته به طبقات فرادست جامعه

۸۸ ۳-۲-۳ نام‌گزینی زنان وابسته به طبقات فرودست جامعه

فصل چهارم: نتیجه‌گیری

۹۶ نتیجه‌گیری

فصل پنجم: خلاصه‌ی داستانها

۱۱۰ خلاصه داستان

۱۲۷ فهرست منابع

پیش‌گفتار

زن بود شعر خدا، مرد بود نثر خدا مرد نثری سره و زن غزلی تر باشد^۱

فولکلور یا فرهنگ عامیانه، گنجینه‌ی ارزشمندی از فرهنگ، ادبیات، اعتقادات، عادات، آداب و سنن، باورها و شیوه‌ی اندیشه‌ورزی یک ملت به شمار می‌رود که در طول تاریخ شکل گرفته است. آثار فولکلوریک به‌مانند آینه‌ای است که گذر عمر و روند تحول و تکامل هر ملتی را منعکس می‌کند و چنان تابایی طرح‌ها و رنگ‌های فرهنگ و تمدن یک قوم را به نمایش می‌گذارد.

با مطالعه آثار فرهنگ عامیانه می‌توان از پس ساده‌ترین و عادی‌ترین عناصر آن به درونی‌ترین لایه‌های آن نفوذ کرد. به تحلیل آن پرداخت، تدقیق و تفحص در آثار فولکلور ریشه‌ی بسیاری از حوادثی را که بر مردم هر کشوری گذشته است، آشکار می‌سازد که در پرتو آن می‌توان به راز و رمز حیات مادی و معنوی سره‌ای پی برد. چرا که این آثار واقعی‌تر و مطمئن‌تر از تاریخ، افکار، عقاید و روحیات مردم را مجسم می‌کند. فرهنگ فولکلوریک هم ترجمان واقعیت‌های زنده و موجودند و هم در گزارش «اطوار و احوال گذشته مردم کمتر از تاریخ دستخوش اغراض مورخان گشته‌اند، در نتیجه به حقیقت و طبیعت نزدیک‌تر به طریقی است» (رئیس‌نیا، ۱۳۷۷: ۱۳). فولکلور محصول جریان اندیشه‌ی مردم زحمتکش و محروم به حساب می‌آید؛ مردمانی که پیوسته در کار و فعالیت بوده و وابسته به دنیای عمل‌اند. به همین علت فولکلور نیز حالت جمعی داشته و مکمل عمل است و همچون عمل، وسیله‌ی مبارزه جهت بهبود زندگی بود. سلامت، خوش‌بین، امیدوار و دلپذیر است. چنان‌که مصادیق آن همچون مثل‌ها، شوخی‌ها، هجوها، رازها، اسطوره‌ها، افسانه‌ها و ترانه‌های عامیانه شاهد این مدعاست (آذرافشار، ۱۳۹۴: ۲۰).

داستان‌های عامیانه را می‌توان بخش مهمی از فرهنگ فولکلوریک در شمار آورد که تمام جنبه‌های زندگی و جهان معنوی مردم ایران در طی قرن‌ها در آن متجسّم شده است. از نظر قصه‌شناس آلمانی «قصه‌نمودار قسمت مهمی از میراث فرهنگی هر قوم و مثنی است. ارزش‌های سنتی و زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی و همچنین حوادث و سوانح اجتماعی جدید در آن انعکاس پیدا می‌کند» (مارزلف، ۱۳۹۱: ۱۵). اگر چه احتمال می‌رود که نخستین انگیزه‌ی آفرینندگان قصه‌ها، سرگرمی و ایجاد تأثیر عاطفی در مردم بوده باشد، ولی محققان، فرهنگ عوام را جهت شناخت مردم و پی‌بردن به وضع روحی و اجتماعی و سوابق زندگی بشر مفیدتر و گران‌بهرتر یافته‌اند (محبوب: ۱۳۸۶: ۴۳). «امروزه مطالعه در فرهنگ توده‌ها یکی از بهترین بخش‌های علمی نظیر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی است و مخصوصاً در کشوری مانند ایران که مورخان

سلف آن اعتنایی به شرح و توصیف زندگانی توده مردم نداشته‌اند، این داستان‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (همان: ۱۳۶). در نتیجه داستان‌های هر جامعه‌ای، تصویرگر واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی، شیوه‌ی اندیشه، احساس، هنر و راه و روش زندگی مردم آن جامعه است. از طریق بررسی این موارث فرهنگی می‌توان به حقایق غیرقابل انکاری در مورد مردم جوامع پی‌برد.

در ایران داستان‌پردازی زمینه‌ای گسترده و قابل ملاحظه داشته و سابقه‌ی آن به ایران پیش از اسلام می‌رسد. در دنیا کمتر ملتی را می‌توان سراغ گرفت که چون ملت ایران صاحب تاریخ پر عظمت، لبریز از فرهنگ و ادب باشد و سخاوتمندانه ملل دیگر را تغذیه‌ی فرهنگی و ادبی کرده باشد. در این میان ادبیات آذربایجان با گونه‌های متعدّدش، مظاهر زیبای فرهنگ و مدنیت را به نمایش می‌گذارد. پرتو روح خلاق و اندیشه‌های تابناک نهفته در ادبیات این دیار در آثاری نظیر سروده‌های شریار شعر آذربایجان و ایران، روشنی‌بخش محافل جهان است. داستان‌های عامیانه، یکی از مظاهر ادب آذربایجان است. قصه‌های آذربایجان هم تاثیر عاطفی می‌بخشند و هم از واقعیت‌های زمان و زندگی مردم، افکار، احساس و آمال آنان صادقانه و صمیمانه سخن می‌گویند. به همین جهت قصه به رین جمع جهت رسیدن به زن و ترسیم چهره‌ی او از پس غبار قرون است. زن به عنوان نیمی از پیکره‌ی اجتماع و بود جامعه را به هم می‌پیوند. به همین جهت هیچ داستانی از داستان‌های مطالعه شده ارزش و حضور زنان خالی نیست و چند و چون این حضور دغدغه‌ی اثر حاضر است.

ادبیات آذربایجان به‌عنوان بخشی از ادبیات مردم فرهنگ‌ساز و فرهنگ‌دوست ایران همواره مورد توجه محققین بوده و هر پژوهشگری به فراخور دانش و لاقه‌ی خود گوشه‌ای از آن را کاویده است. برای شناخت فرهنگ یک ملت، باید ادبیات آن ملت را مطالعه کرد چرا که ادبیات و فرهنگ هر ملت نموداری از مدل فکری، شکل و طبقات آن جامعه است. از این رو بررسی قصه‌های آذربایجان و تبیین جایگاه و حضور زنان ضروری می‌نماید تا بتوان از این نگارن، به شناخت بهتری از نگاه جامعه به زن و حضور او در عرصه‌های مختلف دست یافت و در بهمان حال و وضع امروز زنان را تبیین نمود. چون نگاه به گذشته، چراغ راه آینده است و تاریخ دیروز به سعادت امروز می‌خورد. در اثر پیش رو، به تحلیل موقعیت و وضعیت زنان داستان‌های حماسی، غنایی و داستان‌های غنایی دیار آذربایجان پرداخته شده است. این داستان‌ها ۳۵ قصه را به عنوان جامعه‌ی آماری شامل می‌شوند.

در پژوهش حاضر، ابتدا شخصیت‌های زن داستان‌ها از منظر عملکردشان به دو دسته‌ی زنان کنش‌مند و زنان کنش‌پذیر تقسیم شده‌اند. ویژگی‌های شخصیتی و کنش‌های آنان با توجه به جنبه‌های مثبت یا منفی آن مورد مذاقه قرار گرفته است تا مشخص گردد که عملکرد زنان قصه‌ها چه نقشی در سرنوشت و زندگی خود آنان، خانواده و در سطحی گسترده در عرصه‌ی اجتماع دارد. این که کنش‌مندی یا کنش‌پذیری زنان با طبقه‌ی اجتماعی آنان چه اندازه پیوند دارد، مکمل

مباحث مذکور بوده است. در مرحله‌ی بعد نام‌های زنان مطالعه شده و عناصر موثر بر نام‌گزینی زنان قصه‌ها تحلیل گردیده است. در تحلیل نهایی رابطه‌ی کنشگری و کنش‌پذیری زنان و نیز عوامل موثر بر نام‌گزینی زنان با فرهنگ مقبول جامعه مورد توجه قرار گرفته است.

در انتخاب عنوان «قصه» یا «داستان» برای آثار مورد بررسی این تحقیق، با توجه به این که ویژگی‌های این آثار با ویژگی‌های ذکر شده برای ژانر قصه تا حدود زیادی مطابقت دارد، به همین سبب سعی شده است بیشتر عنوان قصه برای آن استفاده گردد. اگر چه از کلمه داستان هم به تبعیت از محققان مختلف، که هم لفظ قصه و هم لفظ داستان را برای آن‌ها به کار برده‌اند، استفاده شده است.

در راستای تحقق این هدف، اثر حاضر در یک پیش‌گفتار و چهار فصل جامه‌ی نظم به خود پوشیده است؛ در فصل یکم، تحت عنوان کلیات، در بخش یکم، پیرامون فولکلور و در بخش دوم در مورد نقد زنان و چهار پویش پژوهش سخن گفته شده است. فصل دوم، با عنوان زن در قصه‌های آذربایجان، زنان را از نگاه کنشگری و کنش‌پذیری در قالب دو بخش مورد بحث و بررسی قرار داده است. در این فصل شاخص‌های کنش‌مندی یا کنش‌پذیری زنان همراه با مصادیق‌شان در قصه‌ها تبیین شده است. فصل سوم، عنوان نام‌گزینی زنان قصه‌های آذربایجان، بعد از تشریح مباحث نظری تحقیق در زمینه‌ی نام‌گزینی در بخش یکم، در بخش دوم عوامل موثر بر گزینش نام‌های زنان آذربایجان را به بحث نهشته است. در این فصل چهارم نتایج و دستاوردهای تحقیق را انعکاس می‌دهد. در بخش پایانی کتاب، خلاصه‌ای از قصه‌های تحلیل شده گنجانیده شده است.

عناوین یوسفی

۱۳۹۹